

تبادل اسرای اسرائیل - لبنان، ژوئیه ۲۰۰۸ (عملیات رضوان)

سلمان رضوی^۱

مقدمه

خروج از جنوب لبنان مجبور نماید. در سال ۲۰۰۶ نیز پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه بر رژیم صهیونیستی محقق شد.

در عرصه سیاسی، طی سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸، واقعه تبادل اسرا میان ۲ طرف به وقوع پیوست. در سال ۲۰۰۴، حزب الله لبنان با تحویل یک سرهنگ و چند جسد به رژیم مذکور، چند تن از اعضای خود از جمله عبدالکریم عبید و مصطفی دیرانی و حدود ۴۰۰ اسیر فلسطینی و عرب را آزاد نمود. عدم آزاد شدن سمیر قنطار، مبارز لبنانی، موجب شد تا سیدحسن نصرالله، از همان زمان وعده آزادی وی را در دستور کار اهداف آتی حزب الله قرار دهد.

جنگ ۳۳ روزه که از سوی حزب الله لبنان به عملیات الوعد الصادق (وعده راستین)

تبادل اسرا، امری مرسوم میان ۲ یا چند کشور می باشد که بین آنان جنگ و یا هر نوع درگیری نظامی رخ داده است. این موضوع پس از جنگ های اعراب و اسرائیل (همانند جنگ های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳) به دفعات، اتفاق افتاده است. اما در این میان، جنبش حزب الله، از جایگاه برجسته ای در موضوع تبادل اسرا برخوردار است. طی یک دهه گذشته، این جنبش موفق شد به دفعات شاهد پیروزی های خویش در عرصه های نظامی و دیپلماتیک باشد. پیروزی های نظامی حزب الله در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ رقم خورد. در سال ۲۰۰۰ این جنبش موفق شد با حملات چریکی و جنگ های محدود خویش، اشغالگران را پس از ۱۸ سال، به

۱- کارشناس ارشد روابط بین الملل و کارشناس ارشد مؤسسه تحقیقات و پژوهش های سیاسی - علمی ندا

تلخ همراه بود که آنان موفق به تأمین هیچ یک از وعده‌های اولیه خویش - آزادی بدون قید و شرط اسرا، عقب نشاندن نیروهای حزب‌الله از جنوب لبنان، لزوم خلع سلاح حزب‌الله و ... - نشدند. این شکست تاریخی، بلافاصله، پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدتی را متوجه ساختار سیاسی این رژیم نمود. مهمترین سؤال مطرح در اسرائیل، پس از این جنگ این بود که اگر بنا بود در پایان جنگ، قطعنامه سازمان ملل را بدون تأمین اهداف اولیه خویش بپذیریم، پس چرا این جنگ طولانی مدت و پرهزینه را بر خود تحمیل کردیم؟

افزایش سؤالات انتقادی موجب تشکیل کمیته وینوگراد برای بررسی چرایی این جنگ و دلایل ناکامی آن و عوامل این شکست گردید. به نظر می‌رسد با گذشت مدت کوتاهی از پایان جنگ ۳۳ روزه، سران رژیم اسرائیل با اعتقاد به اینکه، تنها راه آزادی اسرای خود، مذاکره غیرمستقیم با حزب‌الله است، این امر را در دستور کار خود قرار داده و با میانجیگری یک مقام اطلاعاتی آلمانی، این روند آغاز شد.

اصرار حزب‌الله بر آزادی سمیر قنطار، قدیمی‌ترین اسیر لبنانی در بند اسرائیل - با سابقه ۳۰ سال اسارت - که در سال ۲۰۰۴ نیز اسرائیلی‌ها حاضر به آزاد نمودن وی نشدند، و تلاش این جنبش برای آزادی همه اسیران خود و پس گرفتن اجساد شهدای لبنانی و عرب -

موصوف شد سرانجام منجر به آزادی قنطار - قدیمی‌ترین اسیر لبنانی در بند رژیم اسرائیل - گردید. بدنبال مذاکرات پس از جنگ، اجساد ۲ سرباز اسرائیلی در ازای استرداد ۵ اسیر لبنانی و ۱۹۹ جسد از اجساد رزمندگان عرب، در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۸ به حزب‌الله لبنان تحویل داده شد.

در نوشتار حاضر به این سؤالات پاسخ داده می‌شود:

(۱) تبادل اسرا میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله، چه روندی را طی کرده است؟
(۲) واکنش طرفین به تبادل اسرای اخیر چگونه بوده است؟

(۳) آثار و پیامدهای تبادل اسرا بر بازیگرانی نظیر حزب‌الله لبنان، رژیم صهیونیستی و گروه‌های فلسطینی - با تأکید بر حماس - کدامند؟

الف) روند تبادل اسرا

از جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ تا موعد اجرای عملیات رضوان یا تبادل اسرای اسرائیل و حزب‌الله لبنان در ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۸، حدود ۲ سال گذشت. سران رژیم اسرائیل به ویژه اولمرت، طی جنگ ۳۳ روزه بر این نکته تأکید داشتند که برای آزادی اسرای خود هرگز مذاکره نمی‌کنند. اما پایان جنگ ۳۳ روزه و پذیرش قطعنامه ۱۷۰۱ از سوی سران رژیم صهیونیستی، با این واقعیت

هر چند که اولمرت تلاش می‌کرد تا ادامه‌دهنده راه شارون باشد اما وقوع جنگ ۳۳ روزه، مانع از اجرای طرح‌های وی هم چون طرح الحاق - که مبتنی بر عقب‌نشینی از بخش عمده کرانه باختری بود- شد. هر چند که جنبش حماس نیز با اسارت یک سرباز اسرائیلی به نام گیلاد شالیت، در تضعیف افزونتر اولمرت نقش بارزی ایفا کرد.

اولمرت نخست‌وزیر اسرائیل، طی ماه‌های اخیر و در پی افشای فساد مالی که منجر به بازجویی چندین باره پلیس از او شده است، تلاش کرد تا با اجرای توافق تبادل اسرا با حزب‌الله، تا حدی از انتقادات کاسته و بر مخالفان خود فائق آید. وی در جلسه کابینه ضمن موافقت با سند تبادل اسرا از وزرای خود خواسته بود تا به آن رأی مثبت دهند. شیمون پرز، رئیس‌جمهور اسرائیل نیز این چنین موضع گرفت: «این تبادل شاید در ظاهر به نفع حزب‌الله خاتمه یافته باشد اما حزب‌الله باید بداند این امر بهای سنگینی دارد.» (۱) زیبی لیونی وزیر امور خارجه اسرائیل در ابتدا موضوع زنده یا مرده بودن سربازان اسیر اسرائیلی را مطرح کرد اما سرانجام موافقت خود را با تبادل اسرا اعلام کرد. (۲) گابی اشکنازی رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل بعد از تبادل اسرا گفت: اسرائیل آرام نمی‌گیرد و ارتش به فعالیت خود علیه کسانی که مسئول این فجایع هستند ادامه خواهد

حدود ۲۰۰ جسد - موجب مقاومت اسرائیلی‌ها و تأخیر در اجرای این مبادله شد. سرانجام در ۲۶ تیر ۱۳۸۷ (۱۶ ژوئیه ۲۰۰۸) سمیر قنطار و ۴ اسیر دیگر لبنانی - خضر زیدان، ماهر کورانی، محمد سرور و حسین سلیمان - که در جنگ ۳۳ روزه اسیر شده بودند به همراه اجساد حدود ۲۰۰ شهید لبنانی و عرب با جسد ۲ سرباز اسرائیلی به نام‌های الداد ریگف (Eldad Regev) و ایهود گلدواسر (Ehud Goldwasser) در نوارمرزی الناقوره مبادله شدند. در اثر این واقعه، حزب‌الله تمامی اسرا و اجساد شهدای خود را از رژیم اسرائیل پس گرفت.

ب) واکنش‌ها

واکنش‌ها به عملیات رضوان گسترده و گوناگون بود. در مجموع می‌توان به دو دسته اشاره کرد که موافقین حزب‌الله و مخالفین این جنبش می‌باشند. به بیان دیگر عمده کشورهای عربی، اسلامی، فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها از این مبادله مسرور و شادمان بودند و در مقابل اسرائیلی‌ها و حامیانشان به ویژه بعد از آگاهی از مرده بودن اسرای خود، عصبانی و ناراحت بودند. در این سطور به واکنش اسرائیلی‌ها، لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها در قبال عملیات رضوان اشاره می‌شود.

(۱) واکنش اسرائیلی‌ها: اولمرت طی ۲ سال اخیر با ناکامی‌های متعددی روبه‌رو بوده است.

داد. (۳) اما یووال دیسکین رئیس شاباک با اعلام اینکه «باید فرزندانمان به خانه بازگردند ولی نه به هر قیمتی»، افزود: «من با آزادی سمیر قطار مخالفم چرا که حزب‌الله از ارائه اطلاعات در مورد سرنوشت این سربازان (گلدوسر و ریگف) و نیز ارائه مدارک معتبری از مرگ آزاد (کمک خلبان مفقود شده اسرائیلی) خودداری می‌کند.» وی تأکید کرد: «حزب‌الله باید اطلاعات متقنی مبنی بر زنده بودن سربازان و نیز آزاد، ارائه نموده تا قانع شویم قطار را آزاد کنیم، زیرا آزادی قطار ممکن است زندگی شالیت که هم اکنون در دست حماس است را به خطر بیناندازد.» (۴)

از آن جایی که مطبوعات و افکار عمومی، به شدت طی هفته‌های منتهی به موعد تبادل اسرا، بر اولمرت و کابینه‌اش برای آزادی اسرا، فشار آوردند، به همین خاطر، عمده اسرائیلی‌ها موافق این اقدام بودند اما پس از اطمینان از مرده بودن سربازان، اعتراضات، عموماً بر این موضوع متمرکز شد که اولمرت و کابینه اش برای انتقال اجساد ۲ سرباز اسرائیلی، هزینه بسیار سنگینی را پرداخت نموده‌اند. زیرا در سال ۲۰۰۴ با وجود اینکه حزب‌الله ۲ جسد اسرائیلی را به این رژیم تحویل داد، یک سرهنگ نیز تحویل اسرائیلی‌ها شد ولی با این وجود، شارون - نخست‌وزیر وقت - حاضر به آزادی سمیر قطار نشد.

(۲) واکنش لبنانی‌ها: آزادی سمیر قطار پس از ۳۰ سال به همراه ۴ اسیر دیگر که در جنگ ۳۳ روزه به اسارت اسرائیلی‌ها درآمده بودند مهمترین دلیل برای جشن و شادی لبنانی‌ها در روز تبادل اسرا بود. متقابلاً اسرائیلی‌ها با تحویل گرفتن ۲ جسد - برخلاف ذهنیت قبلی مبنی بر زنده بودن آنان - روزی غمناک را پشت سر گذاشتند. این تفاوت و تمایز، مهمترین وجه افتراق جوامع ۲ طرف - اسرائیل و لبنان - بود. لبنانی‌ها از هفته‌ها و روزهای قبل، خود را برای جشن ملی آزادی اسرا آماده کرده بودند که حضور سران سیاسی لبنان همچون میشل سلیمان رئیس‌جمهور، فؤاد سنوره نخست‌وزیر و نبیه بری رئیس مجلس، جلوه دیگری به جشن و سرور لبنانی‌ها بخشید. همچنین سیدحسن نصرالله - دبیر کل جنبش حزب‌الله - در بخشی از این جشن ملی، در میان اسرای آزاد شده قرار گرفت.

برخلاف اسرائیل، که عملیات تبادل اسرا، انتقادات زیادی را متوجه ساختار سیاسی این رژیم ساخت، در لبنان عموماً به تأیید و تشویق حزب‌الله و عملیات رضوان پرداخته شد. قابل ذکر است که نام عملیات رضوان عمدتاً از سوی لبنانی‌ها و به ویژه جنبش حزب‌الله استفاده می‌شد. «رضوان» در حقیقت نام «عماد مغنیه» فرمانده بزرگ حزب‌الله و رهبر نظامی جنگ ۳۳ روزه بود که با ابتکارات و تاکتیکهای وی،

حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی مؤید این مسأله است که مقاومت تنها گزینه راهبردی برای احقاق حقوق تضییع شده است و از سوی دیگر این مبادله، کذب و نادرست بودن ادعاهای برخی طرف‌ها مبنی بر ناکامی مقاومت در تحقق پیروزی را نشان می‌دهد.» (۷)

هم چنین جنبش جهاد اسلامی در این رابطه تأکید کرد: «این عملیات (تبادل اسرا) نشان می‌دهد که حزب‌الله لبنان و عملکرد این جنبش بهترین الگو برای آزادی ۱۱ هزار و ۵۰۰ فلسطینی در بند رژیم صهیونیستی است.» دیگر گروه‌های مقاومت فلسطینی همچون جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، گردانهای الاقصی و... هر کدام طی بیانیه‌هایی، بر مقاومت به عنوان مهمترین راهکار برای آزادی اسرای فلسطینی تأکید نمودند. (۸)

ج) پیامدهای عملیات رضوان

عملیات رضوان یا تبادل اسرای اسرائیلی - لبنانی در ژوئیه ۲۰۰۸، پیامدهای مهمی در عرصه های اسرائیلی، لبنانی و فلسطینی به دنبال داشته است که به اختصار به آن اشاره می‌شود:

۱) پیامدهای اسرائیلی:

اولمرت در برابر فشار مخالفان خود، چاره‌ای جز پذیرش طرح تبادل اسرا ندید. هر

زخمی فراموش ناشدنی بر پیکره رژیم اسرائیل وارد شد.

۳) واکنش فلسطینی‌ها: می‌توان این ادعا را مطرح کرد که فلسطینی‌ها همچون لبنانی‌ها و گروه‌های مبارز فلسطینی همانند اعضاء و طرفداران حزب‌الله، از دستاوردهای عملیات تبادل اسرا راضی و خشنود بودند. رضایت فلسطینی‌ها عمدتاً از این رو بود که دشمن مشترک آنان (رژیم اسرائیل) در این روز، لحظات سختی را پشت سر گذاشت. ضمن آنکه مادرخوانده سمیر قنطار، فلسطینی و مقیم غزه می‌باشد. هنیه، نخست‌وزیر فلسطین، همان روز (۲۰۰۸/۷/۱۶) ضمن بازدید از منزل مادرخوانده سمیر قنطار و عرض تبریک به وی، از آزادی دیگر اسرای لبنانی و شهدای عرب اظهار خشنودی کرد. (۵)

شبکه تلویزیونی تشکیلات خودگردان

فلسطین نیز ضمن گرامیداشت آزادی قنطار، وی را الگویی برای آزادی اسرای فلسطینی و تبادل آنان با رژیم اسرائیل دانست. در همین راستا، نمرحماد مشاور ابومازن، از جامعه جهانی خواست در ازای هرگونه توافقنامه با اسرائیلی‌ها تضمینی ارائه دهد. (۶)

جنبش حماس طی بیانیه‌ای در روز تبادل

اسرا، ضمن یادآوری توانایی جنبش حزب‌الله در تحمیل شروط خویش بر دشمن اسرائیلی، خاطر نشان کرد: «مبادله اسرا میان جنبش

می‌کند که تا زمانی که شالیت- اسیر در بند حماس- زنده است و به سرنوشت ریگف و گلدواسر دچار نشده، مذاکرات هر چه سریعتر به نتیجه رسیده و عملیات تبادل انجام شود. به عبارت دیگر، اسرایلی‌ها خواستار سرعت عمل سران خود در موضوع آزادسازی شالیت هستند.

۳-۱) تحقیر در ۲ عرصه:

حدود ۲ سال پس از اسارت شالیت توسط حماس و ۲ سرباز دیگر توسط حزب‌الله، رژیم اسرایلی نه تنها برخلاف اظهارات اولیه سران خویش مبنی بر عدم مذاکره با آنان- حزب‌الله و حماس- برای آزادی اسرای خویش، اقدام نموده بلکه با انجام عملیات تبادل اسرا با حزب‌الله و سپس پذیرش شروط حماس در برابر توقف حملات موشکی، عملاً تحقیر شده است. این موضوع با مقایسه توان نظامی اسرایلی با توان نظامی جنبش‌های حماس و حزب‌الله بیشتر ملموس است.

۴-۱) انتقاد از کندی عملیات:

یکی از پیامدهای تبادل اسرای اخیر برای سران اسرایلی این است که اگر قرار بود به ازای تحویل ۲ جسد، ۵ لبنانی و حدود ۲۰۰ جسد عربی به حزب‌الله تحویل داده شود، اول اینکه چرا جنگ ۳۳ روزه اتفاق افتاد و دوم اینکه، چرا حدود ۲ سال پس از جنگ، این عملیات محقق می‌شود؟

چند که وی درصدد بود تا با اجرای این تبادل، تا حدی جایگاه خود را بهبود بخشد. اما زنده نبودن اسرا، شرایط را کاملاً دگرگون کرد. پیامدهای تبادل اسرا برای اسرایلی‌ها در چند مورد قابل طرح است:

۱-۱) نمایان شدن ضعف اولمرت:

بخشی از مخالفان تبادل اسرا در اسرایلی معتقدند که فشار افکار عمومی اسرایلی باعث امضای این توافقنامه شد و با وجود یک دولت ضعیف که بسیاری از مقامات آن- نخست‌وزیر و وزرا- گرفتار فساد و منافع حزبی و انتخاباتی خود هستند، شهرک‌نشینان و ساکنان مجاور نوارغزه، باید بهای سنگینی را در قبال این انتخاب خود بپردازند. به بیان دیگر، ضعف کابینه اولمرت و فساد مالی- اخلاقی آنان، این دولت را وادار به پذیرش شروط طرف مقابل و امتیازدهی به طرف‌های لبنانی و فلسطینی و عقب‌نشینی از برخی مواضع قبلی خود نموده و یا خواهد کرد.

۲-۱) افزایش تقاضا برای آزادی شالیت:

از آن جایی که سربازان اسرایلی در بند حزب‌الله، مرده به اسرایلی منتقل شدند و هنوز اسرایلی‌ها مطمئن نیستند که این سربازان از همان ابتدای اسارت خود، آیا کشته شده بوده‌اند یا خیر، این ذهنیت موضوع را طرح و تقویت

مبارزه، از آن جهت که یک اسیر اسرائیلی را در بند خود دارند بسیار مهم می‌باشد. پیامدهای این عملیات برای فلسطینی‌ها در موضوعات زیر قابل طرح می‌باشد:

۱-۲) مقاومت بهترین شیوه مبارزه:

گروه‌های مبارز فلسطینی، از یک سو با مشاهده مبارزه حزب‌الله لبنان، عدم توجه این جنبش به تهدیدهای رژیم صهیونیستی و دفاع در برابر حملات این رژیم که سرانجام موجب عقب‌نشینی سران رژیم اسرائیل از مواضع اولیه‌شان در برابر حزب‌الله شد و از سوی دیگر، مذاکرات بی‌پایان و بی‌حاصل تشکیلات خودگردان با اسرائیلی‌ها که همواره سبب عقب‌نشینی طرف فلسطینی در دستیابی به اهداف و منافع آن شده است به این نتیجه قاطع رسیده‌اند که شیوه مقاومت بر دیگر شیوه‌ها ارجحیت داشته و بهترین گزینه فراروی آنان می‌باشد.

۲-۲) الگوپذیری فلسطینی‌ها از حزب‌الله:

فلسطینی‌های مبارز در حال حاضر نه تنها به لحاظ تئوریک، بلکه عملاً از یک الگوی زنده در برابر خود و برای مبارزات ضداسرائیلی برخوردار هستند. جنبش جهاد اسلامی که به‌زعم اسرائیلی‌ها یکی از جنبش‌های افراطی فلسطینی است بدنبال تبادل اسرای اخیر اعلام

۵-۱) ضربه به روند عادی‌سازی و مذاکرات سازش:

یکی از پیامدهای منفی عملیات تبادل اسرای اخیر برای اسرائیلی‌ها این است که آنان در برابر مقاومت حزب‌الله مجبور به تأمین درخواستهای آنان شدند اما تشکیلات خودگردان که راهکار مذاکره را در پیش گرفته، هیچ امتیاز قابل ملاحظه‌ای را از اسرائیلی‌ها دریافت نکرده است. این نکته تاریخی نیز قابل ذکر است که دولت مصر در پی اشغال سینا توسط اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۶۷، از طریق شناسایی اسرائیل و برقراری روابط با این رژیم - به عنوان یک امتیاز بزرگ برای اسرائیل - موفق به بازپس‌گیری اراضی خود شد اما حزب‌الله، به شیوه مقاومت و مبارزه، اراضی اشغالی خود را به دست آورد. پس مقاومت در مقایسه با مذاکره و امتیازدهی، از نتایج بیشتری برخوردار است.

۲) پیامدهای فلسطینی:

واکنش فلسطینی‌ها به عملیات تبادل اسرای اخیر، آن چنان بوده است که گویی، اسرای فلسطینی آزاد شده‌اند. به نظر می‌رسد این شادی، از یک سو به شکست اسرائیلی‌ها - دشمن فلسطینی‌ها - برمی‌گردد و از سوی دیگر به انتقال اجساد فلسطینی‌هایی که سالها در بند رژیم اسرائیل بوده‌اند. عملیات تبادل اسرای مذکور برای فلسطینی‌ها به ویژه گروه‌های

زنده است به مبادله اسرا خاتمه دهید تقویت شده است. این وضعیت حماس را بر آن داشته است تا از تنها اهرم موجود- سرباز اسیر اسرائیلی- برای بهبود وضعیت ساکنان غزه بهره‌گیری کند و در این راستا با اعلام اینکه تا زمان عدم تعهد اسرائیل به آتش‌بس و پایان دادن به تحریم، عجله‌ای در خصوص تسریع مذاکرات تبادل اسرا با اسرائیل ندارد، تلاش می‌کند تا از شرایط موجود برای لغو تحریم‌ها استفاده کند.

۲-۵) افزایش تقاضاها:

یکی از دلایل تأخیر در عملیاتی شدن مذاکرات غیرمستقیم حماس با اسرائیل در موضوع تبادل اسرا، چانه‌زنی طرفین در تعداد اسرای فلسطینی و نوع اسرا می‌باشد. حماس آزادی فرماندهان مبارز و زندانیان با جسد های طولانی مدت را خواستار است ولی اسرائیلی‌ها با این امر مخالفت می‌کنند. در پی تبادل اسرای اخیر حزب الله - اسرائیل، اعضای حماس بر تقاضاهای خود افزوده‌اند. اسماعیل هنیه طی اظهاراتی ضمن تأکید بر پایبندی دولتش به مسأله اسرا و لزوم آزادی آنها تأکید کرد: «صهیونیست‌ها باید بدانند که در مقابل آزادی گیلاد شالیت، بهای متقابلی که آزادی هزاران تن از اسرای فلسطینی در بند زندان‌های صهیونیستی است پرداخت خواهند کرد و ما

کرد: «این عملیات نشان می‌دهد حزب‌الله لبنان و عملکرد این جنبش بهترین الگو برای آزادی ۱۱۵۰۰ فلسطینی در بند رژیم صهیونیستی است.» (۹)

۲-۳) تأکید بر اسارت بیشتر سربازان اسرائیلی:

سماجت رژیم صهیونیستی در عدم آزادی سمیر قنطار در تبادل اسرای سال ۲۰۰۴ و سپس اقدام جنبش حزب‌الله که سرانجام دستمایه آزادی قنطار شد سبب شد تا فلسطینی‌ها را نیز به این نتیجه رهنمون سازد که اسارت تعداد بیشتری از سربازان اسرائیلی از طریق عملیات جدید، راهکار آزادی اسرای فلسطینی در بند دشمن می‌باشد. فوزی برهوم یکی از سخنگویان حماس در این رابطه اعلام کرد: «این آزادیها- آزادی اسرای لبنانی- نشان می‌دهد در سایه مخالفت اسرائیل با آزادسازی اسیران [فلسطینی] و تحویل شهدای مقاومت، بهترین راه رها کردن فرزندان وطن از زندان دژخیمان صهیونیستی، اسیر کردن نظامیان آنها و مبادله اسراست.» (۱۰)

۲-۴) تأکید بر پایان تحریم‌ها:

با انتقال اجساد ۲ سرباز اسرائیلی از لبنان، در اسرائیل تقاضاها برای آزادی شالیت افزایش یافته است و این ایده که تا زمانی که شالیت

به یک وزارتخانه اکتفا کرد. این امر که مبین مناعت طبع حزب الله می باشد بی شک بر نگاه سایرین به رفتارهای سیاسی حزب الله مؤثر خواهد بود. همچنین قابل ذکر است که آزادی سمیر قنطار دروزی، در تبدیل جنبش حزب الله شیعه به یک جنبش مقاومت ملی تأثیر بسزایی خواهد داشت. تبادل اسرای اخیر، طبیعتاً، پیامدهایی برای حزب الله و جامعه لبنان در بر خواهد داشت:

۱-۳) حزب الله، مقاومتی عربی - اسلامی:

جنبش حزب الله لبنان طی ۲ واقعه تبادل اسرا در ژانویه ۲۰۰۴ و ژوئیه ۲۰۰۸ که به آزادی تعداد زیادی اسیر و اجساد عرب غیرلبنانی منجر شد، توانست از حد و حدود یک حزب و جنبش مقاومت شیعی به یک جنبش اسلامی - عربی تبدیل شود. این ادعا از بررسی نظرسنجی های متعدد منطقه ای به روشنی قابل مشاهده است.

۲-۳) افزایش جایگاه دیپلماسی غیرمستقیم:

یکی از مشکلات موجود در جنبش های اسلامی ضدصهیونیستی - به ویژه لبنانی و فلسطینی - نحوه مواجهه غیرنظامی با رژیم اسرائیل بوده است. به نظر می رسد توفیق حزب الله در آزادی اسرای لبنانی و عرب، طی سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸، از طریق یک میانجیگر

هیچگاه از این خواسته خود دست نخواهیم کشید.» (۱۱) همچنین فلسطینی ها با مشاهده آزادی سمیرقنطار که به چند بار حبس ابد محکوم شده بود به آزاد شدن اسرای محکوم به زندانهای طویل‌المدت، امیدوار شدند. آنان اکنون برای این ادعای اسرائیلی ها که «نمی توانیم فلسطینی هایی که دست شان به خون مردم اسرائیل آلوده شده است را آزاد کنیم» ارزش چندان قائل نیستند.

۳) پیامدهای لبنانی:

جامعه لبنان طی سالهای گذشته همواره دستخوش بحران های متعددی بوده است. وجود فرقه ها و قومیت های متعدد در لبنان، زمینه های مساعدی را برای درگیری های مذهبی و سیاسی و بالتبع دخالت قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای فراهم می نماید. در این وضعیت، حزب الله لبنان علیرغم برخورداری از ۲ اهرم پایگاه اجتماعی - سیاسی و قدرت نظامی، همواره تلاش کرده است تا نقش عنصری توازن بخش و ثبات دهنده را ایفا کند. بررسی رفتار حزب الله طی ماههای اخیر، اثبات کننده مدعای فوق می باشد. به عنوان مثال، با وجود اینکه جنبش حزب الله مهمترین عضو در جناح ۸ مارس - شامل حزب الله، جنبش امل، جریان آزاد ملی لبنان به رهبری میشل عون و ... - محسوب می شود ولی هنگام تقسیم پست های وزارتی، از ۱۱ وزارتخانه فقط

روش مذاکره و امتیازدهی و امتیازگیری به سران عرب منطقه پیامدهای روشن و آشکار این واقعه است. هر چند نباید از آثار و نتایج میان مدت و بلندمدت این واقعه غافل بود. آثار و نتایجی که وضعیت منطقه را دستخوش رویدادها و حوادثی خواهد نمود که نتیجه آن بنا به اعتراف بسیاری از تحلیلگران نمی‌تواند به نفع صهیونیستها رقم بخورد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- هآرتص، (۲۰۰۸/۷/۱۸)
- ۲- معاریو (۲۰۰۸/۶/۲۵)
- 3- www.Sc.tapuz.co.il (2008/6/29)
- 4- Ibid
- ۵- مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین (۲۰۰۸/۷/۱۶)
- ۶- الجزیره (۲۰۰۸/۷/۱۹)
- ۷- مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین (۲۰۰۸/۷/۱۶)
- ۸- همان
- ۹- سایت مقاومت (وابسته به دفتر حزب‌الله لبنان) (۲۰۰۸/۷/۱۶)
- ۱۰- مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین (۲۰۰۸/۷/۱۶)
- ۱۱- همان

آلمانی، جایگاه مذاکرات غیرمستقیم و تبدیل آن به یک راهکار برای دیگر گروه‌های مبارز در چنین شرایطی را افزایش داده است. در حال حاضر جنبش حماس از طریق مصر، مذاکره غیرمستقیمی را با اسرائیلی‌ها شروع کرده است.

نتیجه‌گیری:

تبادل اسرای اسرائیلی- لبنانی در ژوئیه ۲۰۰۸، هر چند که از یک نظر، مبین اهمیت‌دهی سران رژیم صهیونیستی به سربازان اسیر خود است ولی باید این واقعت را پذیرفت که این تبادل، در نتیجه شکست راهکار نظامی در برابر حزب‌الله لبنان طی جنگ ۳۳ روزه تابستان ۲۰۰۶ محقق شد. فارغ از چرایی این رویداد، به نظر می‌رسد پیامدهای آن که جوانب مثبت و منفی را برای اسرائیلی‌ها، فلسطینی‌ها و جنبش حزب‌الله دربرمی‌گیرد، بسیار مهم و اثرگذار است.

تغییر موازنه قوا در منطقه چه از نظر روانی و چه از نظر نظامی، فرو ریختن هیمنه رژیم صهیونیستی، تقویت جایگاه مقاومت در فرآیند درگیریهای جبهه مقاومت با صهیونیستها، عریان نمودن نقاط ضعف و شکافهای موجود در جامعه صهیونیستی و نشان دادن توان مقاومت اسلامی در لبنان چه از نظر نظامی و چه از نظر مدیریت بحران و الگو نمودن آن برای فلسطینی‌ها بویژه حماس و در نهایت آموزش